

آمادگی برا سفر آخرت



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

بعد از حمد و ثنای خداوند سبحان و صلوات و درود بر سید انبیاء

محمد مصطفی و آل طاهرینش

وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ

بقره ایه ۱۹۷

و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا می داند. و توشه بگیرید که

بهترین توشه، تقوا است و ای صاحبانِ خرد! از من پروا کنید.

کل نفس ذائقه الموت.. همه می میرند جز خداوند بزرگ

مرگ یا رفتن به زندگانی آخرت یک سفر است. انسان از این عالمی که

در آن هست منقطع و جدا می شود و به سمت عالم جدیدی حرکت می

کند و با آن مرتبط می شود. قرآن کریم در باره لحظه مرگ می فرماید:

«إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ» [قیامت ایه 30] در آن روز حرکت به سوی

پروردگارت خواهد بود.» و درباره قیامت می فرماید «إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ
الْمُسْتَقَرُّ» [قیامت ایه 12] در آن روز قرارگاه به سوی پروردگارت خواهد
بود.» پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین از او یاد می کند

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ فِي دَارِ هُدًى وَ أَنْتُمْ عَلَىٰ ظَهْرِ سَفَرٍ، السَّيْرُ بِكُمْ السَّرِيعُ،
فَاعِدُّوا الْجِهَازَ لِبُعْدِ الْمَسَافَةِ. [کنز العمال، 44163.]

ای مردم شما در خانه سکون و آرامش هستید، و در آستانه سفری می [
باشید، شما را به سرعت حرکت می دهند، پس کوشش خود را به خاطر
[دوری سفرتان بکار گیرید

:و حضرت امیر علیه السلام این گونه از آن ناله سر می دهد

أَهْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ. [نهج البلاغه،
حکمت 74]

». [آه از کمی توشه، و طولانی بودن راه، و دوری سفر، و عظمت مقصد]

همه باید برای این سفر خیلی مهم امدادگی داشته باشیم. همیشه پیاد مرگ
باشیم. از گناهان توبه کنیم. کارای خیر زیاد انجام دهیم. وابستگی های
دنیوی را کم و کمتر بکنیم و..

این کتاب محصول چندین سخنرانی در مسجد است که به متن تبدیل
شده است.

پاییز 1404. کرمانشاه

فرق توشه سفر آخرت با توشه سفر دنیایی

خداوند به ما توصیه کرده برای سفر آخرت توشه برداریم. توشه سفر آخرت با دنیا فرق می‌کند توشه سفر دنیا میوه است غذا هست آب اینا توشه است برای اینکه شب بخوابید پتویی رواندازی متکایی چادری اینا توشه سفر دنیاست پول همراهت باشه کارت پول همراهت باشه اگه خارج میری ارز همراه باشه دلار هم باید باشه

ولی برای سفر آخرت برعکس چیزایی که مردم براش ارزش قائل نیستن اونجا خیلی ارزش داره. نماز روزه صله رحم تلاوت قرآن نیکی به والدین کمک به فقرا خوش اخلاقی با مردم اینا توشه سفر آخرت هست شخصی وارد مسجد شد و پیامبر عرض کرد یا رسول الله به من قرآن یاد بدید پیامبر خدا به یه نفر از مسلمانا فرمود ببر گوشه مسجد بهش یک کمی از این قرآن یاد بده.

اونم بردش گوشه مسجد گفت بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزشش بلرزانند

وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

و زمین بارهای گرانش را بیرون اندازد،

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

آن روز است که زمین اخبار خود را می گوید؛

...و

روز قیامت زلزله میاد هزار ریشتر بیشتر زمینم مرده هارو میندازه
بیرون همه مرده‌ها از زمین میان بیرون و قال الانسان ما لها؟ آدم میگه
چی شده چه اتفاقی افتاده؟ خود زمین پاسخ میده قیامت شده دیگه
دادگاه الهی تشکیل میشه باید در دادگاه حاضر بشوید!

حالا آیات آخر

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

.پس هر کس هموزن ذره ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

.و هر کس هموزن ذره ای بدی کند، آن بدی را ببیند

ذره المِثْقَال. وقتی آفتاب از این شیشه میاد روز به چیزای ریزی تو هوا
آدم می بینه ذره المِثْقَال به اون اندازه عمل خوب داشته باشید این نیست
که مثلاً ویروس بگیره پاک بشه آدم یادش بره اونجا همه ثبت شده
چون خداوند تمام آنچه که در آسمان ها و زمینه میدانه
یه ذرت المِثْقَال کار بد انجام بدید نتیجه شو می بینید البته اگر کسی توبه
کنه و با توبه از دنیا بره تمام حق الله بخشیده میشه حق الله مثل شرابی
خورده باشه. ترانه گوش کرده باشه امثال اینا
ولی حق الناس نه اون که خیلی خطرناکه

این عرب سوال کرد از این مسلمان واقعا خداوند تمام کارهای کوچک
ما و بزرگ ما رو در قیامت به ما نشون میده گفت بله عرب گفت
خدا حافظ خدا حافظ اونى كه بايد بفهمم. فهميدم رفت اين مسلمان امد
گفت يا رسول الله اين بنده خدا زياد نماند يه همچين حرفى زد رفت
رسول خدا فرمود رجع فقيها فقيه رفت جاهل اومد با يه آيه قرآن
دانشمند شد

شخصى در زمان پيامبر يه استخوان مرده‌اى رو آورد. قرآن ميگه در
سوره ياسين يه شخصى كه خلقت خودشو فراموش كرده بود به رسول
خدا گفت شما مثلاً مى گيد كه اينازنده ميشن چه جور ميشه اين
استخوان دوباره در قیامت تبدیل به انسان زنده ای بشه؟
شما ميگيد مثلاً روز قیامت هست چه جور ميشه اين استخوان پوسيده
دوباره تبدیل به يه آدميزاد بشه ؟ چه كسى اينوزنده مى كند در حالى كه
پوسيده است

اياه نازل شد: **قل يحيى الذى خلقها اول مره.**

روز اول یه استخوانم نبوده هیچی نبود حضرت آدم که قبلش آدمی
نبوده خدا چه جور از خاک از این گل حالا بعضیا میگن لجن بوده بعضیا
میگن حالا گل پخته بوده از این گل پخته چه جوری انسانی مثل حضرت
آدم خلق کرد اون سخت تره که از هیچی یه چیزی درست کنه یا این
سخت تر که بالاخره از یه استخوانی هست از یه آدم در بیاره که
سخت تره که آدم از هیچی یه انسان درست کنه
بنابراین. خداوند بر هر چیزی قادر هست و ما باید به اصطلاح عبرت
بگیریم

یکی از دانشمندان میگه من یه روز تو بیابانی نشسته بودم دیدم که یه
مورچه ای داره یه دانه ای رو حمل می کنه خیلی هم زحمت داره برای این
مورچه ولی داره حملش می کنه هر کجا پستی و بلندی بود این مورچه
بیچاره به زحمت می افتاد و اون دانه گندم رو با سختی زیاد داشت حمل
می کرد اینور اونور می برد. میگه من رفتم دنبال این مورچه بینم چی
میشه آخرش کنجکاو شدم مسافت زیادی رو همین که آمد وارد لونه اش
بشه ناگهان دیدم یه گنجشکی از بالا اومد پایین و این مورچه و با گندم و

به دندونش گرفت و رفت بردش. می گفت من گفتم ای انسان این همه زحمت می کشی به دفعه مرگ میاد چقدر زحمت کشیده به خانه تهیه کرده اساس خانه تهیه کرده بالاخره بچه هایی رو بزرگ کرده به دفعه جناب عزرائیل میاد و همه رو می بره مخصوصاً اینا که جاه و مال زیاد دارن یاست دارند شهرت دارند حالا به آدمی هست هیچ کسی اورا نمی شناسه به کسی هست مشهوره. هنرپیشه های سینما اینایی که گاهی اوقات انسان میگن آقا فلانیم مرد یا مثلاً آیت الله آیت الله مصباح از دنیا رفت آیت الله یزدی این همه سوابق این همه خدمت رئیس قوه قضاییه شورای نگهبان رئیس جامعه مدرسین این همه ریاست ها آقای هاشمی رفت این همه رئیس جمهور رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام این همه قدرت بعد کجا رفت رفت به جای مثلاً از این شهر گاهی اوقات دارن میره به شهر دیگه از این خانه میره اون خانه نه. رفت به جایی که میگه که توی قبر نه فرشی هست نه چراغی است نه انیسی هست نه مونسی هست فقط اونجا ایمان و عمل صالح به داد آدم می خوره لذا اینه که این هر چقدرم انسان بارش سبک تر باشه در قبر و قیامت وضعش بهتره

میگن که سلمان فارسی موقع مردن گریه می کرد گفتن چرا گریه
می کنی گفت من این اموالی که دارم می ترسم روز قیامت خدا یقه منو
بگیره برای اموال دیدن یه آفتابه داره. یه ظرف داره برای غذا درست
کردن یک به اصطلاح پوستین گوسفندم که روش می خوابه و روش نماز
می خونه این سه تارو بیشتر نداره

بعضی از ماها وقتی اسباب کشی می کنیم دو تا تریلی هم کم مونه دو
تا تریلی. یخچال های آمده چند متری چقدر دوقلو فلانی مبلمان داره
فقط فقط مبل هاشو باید یه ماشین کامیون حمل بکنه بابت این ها ازمون
سوال می پرسن میگن تو تو محلتون تو شهرتون فقیر بود چه جور آمدید
سه دست مبلمان اونم طرف نمیره یه مبلمان مثلاً معمولی بگیره میگه
باید این مبلمان از تهران بیاد برام چوبش فلان باشه. سقف کاذب زده
برای خانه اش چند میلیارد فلان بازیگر فوتبال! روز قیامت گیره که آقا
تو ایران ما. این همه نیازمند هست شما چه جور آمدی این کارو انجام
دادی هزاران به قول معروف مثل او هم وجود داره

یاد مرگ امادگی سفر اخرت ایجاد می کند

یکی از ویژگی‌های امیرالمومنین این بود که خیلی به مرگ فکر می‌کردند و یاد مرگ زیاد می‌کردند ایشون فرمودن الرحیل یعنی کوچ کردن نزدیکه کوچ کردن نزدیکه. کسی که به یاد سفر طولانی مرگ باشه کسی که بعد سفر رو در نظر بگیره به یادش بیاد آماده میشه برای این سفر طولانی چه بسا افرادی که در آغاز روز زنده بودند ولی دیگه آخر شب از دنیا رفته بودند چه بسا افرادی که آغاز شب زندگیشون مورد غبطه مردم بود ولی به صبح نرسیدند و همون شب از دنیا رفتند حاج آقای موسوی از علمای قم که می‌آمدن کرمانشاه اینجا معمولاً منزل ما می‌آمدن گفتن هفته گذشته مادرم از دنیا رفت دو روز بعد پدر من از دنیا رفت خیلی عجیبه مثلاً حالا بعضیا سر به سال دو سال چند سال فاصله میفته به مادر از دنیا رفت آخرین لحظات عمرش تربت و کام

ایشون قرار دادیم و از دنیا رفت بعد از دو روز پدر از دنیا رفت که اینا خانواده شهید هستند. خود حاج اقا موسوی هم بعد نماز صبح بعد اربعین سال 1404 از دنیا رفتند.

این که میگن شما در تشیيع جنازه شرکت بکنید اینه که انسان برای حداقل یه لحظه هم شده به. بیاد که آقا منم باید این مسیر و برم منم یه زمانی تو تابوت منو میزارند! مردم میان تشیيع جنازه من. حالا بعضی مردم بیشتر در تشیيع جنازه اش میان بعضی کمتر.

کم و بیش هست بعضیا بالاخره معروفیت دارند مشهورن جمعیت بیشتری میاد اینا مهم نیست چند نفر تو تشیيع جنازه باشد مجلس ختم بگیرن بگیرن اینا اصلاً اثری در عاقبت و سعادت انسان نداره اینی که میگن آقا کفن بخرید البته ما کفن میخریم ولی می‌ذاریم تو کمد یه جایی میزاریم که بعد از مردن اونم هرچی می‌گردن پیدا نمی‌کنن دیگه نه کفن که خریدی هر روز. نگاه کن خود نگاه کردن به کفن ثواب داره عبادته که انسان کفن بگیره و هر روز بازش بکنه

سیده نفیسه که قبرش در مصر زیارتگاه یه قبری تو حیاتش کنده بود
هر روز می‌رفت تو قبر قرآن تلاوت می‌کرد این دیگه گناه می‌کنه یه
همچین آدمی که بره تو قبر قرآن بخونه دیگه اهل گناهه کسی که هر
روز به کفنش نگاه کنه ببینه یه روزی باید بالاخره این مسیر رو بره این
اهل گناهه نه. این باعث میشه که انسان دنیا طلب نباشه در نهج البلاغه
آمده در نامه تاریخی امیرالمومنین به امام حسن یا بُنی اکثر من
ذکرالموت

پسرم خیلی به یاد مرگ باش. کسی روزی ۲۰ بار به یاد مرگ باشه
اسمشو جز شهدا می‌نویسن با شهدا مشهور میشه یک کاغذی بنویسه تو
اتاقش یه جایی به یاد مرگ بیفته روزی ۲۰ بار چرا اسلام انقدر سفارش
داره که به یاد مرگ باشه چون خود یاد مرگ باعث میشه انسان گناه
نکنه دنیا دنیا طلب نشه آقا پیرمرده داره یه ساختمان دیگه درست
می‌کنه ساختمان داره یکی دیگه درست خونه دو تا داره حالا یکی دیگه
باز داره درست سه تا. یکی تو شمال یکی توی جنوب یکی تو فلان این
معلوم هستش که دنیا طلب هست بعد می‌فرماید که این حضرت علی
میگه میگه که کسی که زیاد به یاد مرگ بیفته دنیا طلب نمیشه

دنیا بسه دیگه برای چی حرص دیگه نمی‌زنه. من یه فایده ای در دنیا طلب نبودن هم هست روایت داره میگه اگر کسی به کم دنیا راضی باشه خدا هم به عمل کمش راضیه میگه آنکه بامش بیشتر برفش بیشتر مثلاً کسی ماهی ۱۰ میلیون حقوق داره خدا که ارزش نمی‌خواد ماهی ۲۰ میلیون صدقه بده که میگه تو ۱۰ میلیون حقوق داری ۵۰۰ هزارشو صدقه بده یه میلیونشو صدقه بده ولی اگه کسی ماهی ۱۰۰ میلیون داره خدا میگه ۱۰ میلیون صدقه بده هرچه ثروت بیشتره وظیفه سنگین‌تره کسی که. تکلیفی نداره اما اگر شما داشته باشید برادر خواهرت همسایت دوستت بیاد ازت کمک بخواد و شما کمک نکنید گیر هستید که یاد مرگ یکی از نتایجش اینه که انسان بیشتر کارهای خیر انجام میده. چون بالاخره میگه می‌خوام برای آخرتم یه چیزی بزارم. می‌خوام برای آخرتم یه کاری بکنم که شب اول قبر گیر نباشم روز قیامت اونجا چون مرگ در چند قدمی ماست و ما این امانت‌هایی که خدا به ما داده باید برگردونیم

حضرت علی می‌فرماید **من ارتقب الموت سار الی الخیرات** کسی که
منتظر مرگه سرعت میگیره به کارهای خیر. هی روزانه می‌بینی کارای
خیلی زیاد خیر انجام میده

آمده است که حضرت نوح می‌گن ۲۴۰۰ سال عمر کرد بعد موقع مردن
جبرئیل گفت دنیا را چگونه دیدی ۲۴۰۰ سال عمر کرده گفت دنیا مانند
خانه‌ای بود که از یه در آدم از در دیگه خارج شدم .

اگه اینجوری فکر بکنیم دیگه دنیا طلب نمیشیم

زُهری یکی از تابعین بود تابعین به کسانی می‌گن که پیامبرو ندیدن
اصحاب پیامبرو دیدن به اینا می‌گن تابعین

این زهری در زمان امام سجاد بود از تابعین بود یک شب سرد بارانی
دید که امام سجاد آذوقه به دوش گرفته داره جایی میبره. سوال کرد
یا بن رسول الله این چیه فرمود یه سفری میرم این توشه برای اون
سفره. عرض کرد آقا غلام من هست بدید او ببره حضرت قبول نکرد
گفت آقا بزار خودم ببرم شما شانتون بالاست نباید شما کیسه به دوش
بگیرید من حاضرم این کارو بکنم امام فرمود نه فرمود که من خودم

بالا تر از این نمی‌دونم که آنچه که مرا در سفرم نجات می‌دهد این رو به
دوش دیگری بزارم

باید خودم حمل بکنم تو رو قسم میدم برو دنبال کار خودت مرا رها
بکن. منم رفتم

بعد از چند روز امام رو دیدم. دیدم امام سفر نرفته گفتم آقا شما مگه
نگفتید دارم سفر میرم پس چرا نرفتید فرمود اون سفری که تو خیال
کردی نیست مقصود من این سفر آخرته من اون آذوقه رو که داشتم
حمل می‌کردم برای سفر آخرت دارم آماده می‌شم

اری برای این سفر با انفاق و انجام کارهای خیر توشه حاصل میشه
روایت جالبی داریم وقتی جنازه یه شخصی رو از خانه می‌برن بیرون که
تشییع بکنن یک ملکی سر راه جنازه قرار می‌گیره و به میت سه جمله
میگه

میگه از خونت آمدی بیرون دیگه بر نمی‌گردی

الله اکبر

جمله دوم. داری میری یک سفر طولانی

ولی جمله سوم خیلی خطرناک خیلی هولناکه. آره ای میت تو از خانه بیرون میری دیگه بر نمی گردی به سفر طولانی میری اگر زاد و توشه نداری در به دادگاه وحشتناکی تو را وارد می کنند

پیامبر به اباذر فرمود این خیلی حدیث مهمی هست فرمود اگر به اندازه عمل جن و انس عمل صالح در نامه عملت باشد باز روز قیامت کم میاری. انقدر دادگاه الهی سخته

پیامبر قبرستان رفتید مردم دور قبر جمع شدن و گریه می کنند آقا فرمودند که گریه چه فایده داره چرا گریه می کنید چه فایده به حال میت داره به جای گریه دو رکعت نماز بخوانید بهش هدیه کنید بگید خدایا ثواب این دو رکعت نماز هدیه به این میت اگر این کار انجام بدید. از اینکه پادشاهی دنیا را بهش بدید بیشتر خوشحال میشه

در بعضی از روایات است که عصر پنجشنبه مثل فردا ارواح اموات میان کجا میان رو پشت بام خانه ای که خانه خودشون بوده چی میگن التماس می کنند به بچه هاشون میگن که وقتی غذا می خورید باقی مانده غذا ته مانده سفره را جلوی پرنده ها بریزید تا بخورند و ثواب سیر کردن

شکم. این گرسنه‌ها را به ما هدیه کنند ما به این اندازه لطف و احسان
شما محتاجیم. یه پرنده اگه بخوره یه ثوابی خدا میده ما محتاج همین
هستیم. حتی به اون اندازه نمی‌خواد گندم باشه اما ته مانده غذا تو
خورده ای اونو بذاره جلو پرنده بخوره یه ثوابی برای شما می‌نویسن به
ما میدن به ما که پدر و مادر شما هستیم

بهترین توشه برای مرگ و قیامت

بهترین توشه برای مرگ و قیامت تقواست بعضی افراد یعنی اکثر افراد در اینکه ما دوباره زنده بشیم و دادگاهی باشه و بهشت و جهنم باشه شک دارند برای همین در چند جای قرآن نمونه‌هایی آورده که ثابت بکنه جهان بعد از مرگ وجود داره یکی از اونا در سوره بقره. آیه ۲۶۰ هست حضرت ابراهیم حالا شایدم ایشون این سوالی که مطرح می‌کنه می‌خواد ماها یاد بگیریم حضرت ابراهیم از کنار دریا رد می‌شد دید یه لاشه‌ای هست نصفش تو دریاست نصفش تو ساحله اون نصفش که تو دریا هست ماهیا دارن ازش می‌خورن نصف ساحله حیوانات خشکی مثل گرگ و اینها دارن از این بدن این. لاشه تغذیه یا سگ مثلاً سوالی برایش مطرح شد که خدایا روز قیامت این لاشه‌ای که نصفشو ماهیا خوردن نصفشو حیوانات درنده خوردن این چه جور این روز قیامت محشور می‌شه خداوند فرمود ابراهیم مگه ایمان نیاوردی؟ گفت چرا ولی لتطمئن قلبی

میخوام مطمئن بشم

آخه دو جور ما ایمان داریم. مثلاً ما خدا را با دلیل عقلی ثابت می‌کنیم
مغز ما قبول می‌کنه ولی دل ما هنوز شک داره ولی اگر با چشم نگاه
کردی و مشاهده کردی دیگه اون شک برطرف میشه گفت حضرت
ابراهیم عظم قبول کرده مغز قبول کرده که روز قیامت است ولی دل
منو شک برداشته

خداوند فرمود چهار تا پرنده انتخاب کن. ظاهراً خروس بوده طاووس
بوده کبوتر بوده یکلاغ بوده ۴ تا پرنده اینا رو تیکه بکن تیکه بکن
با هم مخلوطشون کن خوب که جسدهای این چهار تا پرنده با هم
مخلوط شدن به چهار قسمت تقسیم کن هر قسمتی سر یه کوه بزار
حضرت ابراهیم علیه السلام این کار را انجام داد این چهار تا پرنده رو.
ذبح کرد و گوشتاشونو با همدیگه مخلوط کرد و بعد بالاخره با چه
زحماتی سر چهار تا کوه گذاشت خدا فرمود حالا اینا رو صدا بزن بگو
کبوتر بیا خروس بیا طاووس بیا فلان پرنده بیا حضرت ابراهیم صدا زد

این آقا این اجزای این پرنده‌ها که در کوه‌های مختلف هستند توی هوا
به همدیگه پیوند خوردند.

کبوتر زنده شد خروس زنده شد طاووس زنده شد و کلاغ زنده شد.
ابراهیم گفت الان یقین کردم که ان الله علی کل شیء قدیر خدایا تو بر
هر چیزی قادر هستی

ولی ما انسان‌ها متأسفانه این همه معجزات می‌بینیم بازم خیلی‌ها اعتقاد
ندارند

حضرت موسی این همه معجزات نشون بنی اسرائیل داد گفت بنی
اسرائیل من برم تا کوه طور تورات بیارم شما یه سی روزی با جانشین
من حضرت هارون باشید مبادا راه کج برین

همین که حضرت موسی رفت تا ۳۰ روز خوب بودن. خداوند برای
اینکه مردم رو امتحان کنه به حضرت موسی گفت ۱۰ روز دیگه هم باید
بمانی آقا این ده روز دیگه که اضافه شد ۴۰ روز یه نفر به نام سامری
یک گوساله‌ای درست کرد با طلا. گفت مردم حضرت موسی پیامبر

نبوده مرده خداهم وجود نداره همین گوساله خدای شماست اکثر مردم
گوساله رو عبادت میکردند!

به نظرم میرسه علت اینکه مردم گوساله پرست شدن علتش اینه چون
مردم گفتن ما اگر خدا پرست باشیم خدا به ما میگه نماز بخون روزه
بگیر خمس بده زکات بده گوساله از ما هیچی نمیخواد.

اگه خدا میگه نماز بخون خب این نماز به نفع ماست چقدر منافع داره
نماز. این روزه میگه خدا بگه شیطان پرستی بود بهش گفتن آقا شما چه
جور خدا را رها کردی اومدی شیطان ملعون خبیث می پرستی گفت خدا
به ما میگه این کارو نکن اون کارو نکن ولی شیطان میگه هر کاری
دوست داری انجام بده این خط قرمز نداره!

برای همین خدا در قرآن میگه انه ظلوما جهولا انسان ظالم و نادان است
که این همه معجزه ببینید بازم برید گوساله پرست بشید! برید شیطان
پرست بشید.

بهترین و مهمترین راه رسیدن به تقوا

. بهترین توشه برای سفر آخرت تقوا است تو قبر اگر همراه انسان تقوا بود نجات پیدا می کنه روز قیامت در مواقع قیامت چه پل صراط چه حساب و کتاب اگر انسان تقوا داشت اونجا عزیزه میگه روز قیامت روز عروسی متقین است

یکی از بهترین و مهمترین راه رسیدن به تقوا اینه که **هرچی نفس ما گفت باهاش مخالفت کنه** چون نفس ما همیشه ما رو به کارهای بد سفارش می کنه.

و ما را به کارهایی که خلاف رضایت خداست وسوسه بکنه.

میگند در زمان امام صادق(ع) یه مرتاضی آمده بود مدینه این خیلی کارهای عجیب و غریب می کرد مثلاً می گفت فکر و نیت تو اینه!
فکر افراد رو می خواند

امام صادق (ع) فرمود من باید این شخصو بینم آمدند و دیدند مردم
دورش جمع شدن و به تک تک افراد میگه تو الان تو فکرت اینه تو
فکرت اینه

امام صادق (ع) فرمود آقای مرتاض بیا اینجا
مرتاض گفت بفرما چکارم دارید؟

امام فرمود از کجا به این مقام رسیدی افکار مردم میخوانی. گفت من
مثلاً ۵۰ ساله هرچی نفسم میگه خلافتو عمل می کنم نفسم میگه مثلاً
الان هوا گرمه یک آب خنک بخور من آب گرم می خورم نفسم میگه
الان خوابت میاد دراز بکش دراز نمی کشم نشسته می خوابم مثلاً
هرچی نفسم میگه خلافتو عمل می کنم

امام فرمود بیا شیعه شو

آقا این موند چون نفستش می گفت شیعه نشو اینم عهد کرده بود هرچی
که نفستش میگه خلافتو عمل کنه امد شیعه شد خلاصه. یه چند هفته
گذشت به امام گفت آقا من خیلی راضیم از این مذهب ولی یک سوال
دارم من اون زمان مرتاض بودم کافر بودم یه چیزایی بلد بودم افکار

مردمو می خواندم از اون زمانی که شهادتین گفتم شدم یه آدم عادی هیچ
خاصیتی ندارم امام فرمود بله اون زمان چون شما زحمت کشیده بودی
خداوند مزد زحمتتو این قرار داد که این کارا رو بلد باشی! ولی دیگه روز
قیامت جهنم می رفتی چون بهشت بر کافر حرامه

ولی حالا که دیگه مسلمان شدی شیعه شدی شما انشالله جاتون بهشته
دیگه نیازی به این چیزا نداری که افکار مردمو بخونی و...
باید با نفس مخالفت کنیم تا به تقوا برسیم.

. مثلاً الان شما دراز کشیدید تلویزیون داره دعای فرج امام زمانو
می خوانه به نام امام زمان رسید نفس میگه بلند نشو با احترام نام
حضرت. ولش کن حوصله داری ولی نه شما مخالفت می کنی با نفس بلند
میشی دست رو سرت می گیری احترام می داری به امام زمان این خیلی
در پیشرفت آدم اثر داره وقتی امام زمان ببینه شما به خاطر نامش بلند
شدید دست به سر گرفتی یه احترامی کردی آقا هم یه توجه به شما
میکنه یا مثلاً گفتند قبل از خواب وضو بگیرید با وضو بخوابید رفتید
دستشوویی. نفست میگه حوصله داری دیگه نمی خواد وضو بگیری برو

بگیر بخواب ولی شما نه با نفست مخالفت می‌کنی وضو می‌گیری
می‌خوابی میگه از اول شب تا صبح برات ثواب عبادت می‌نویسند یه وضو
گرفتی اینهمه برکات داره

یا به عنوان مثال میخوای کلاس قرآن بری نفس میگه بابا حوصله داری
تو خونه برای خودت تلویزیون فیلم سینمایی داره ببین میوه بخور
شیرینی بخور ولی شما بلند میشدید به کلاس قرآن میری این خیلی
ارزشمنده

یا مثل روز جمعه است نفس آدم میگه که بابا نمازظهرت تو خونه بخون.
نماز جمعه نمیخواد بری! ولی شما با نفست مخالفت میکنی در نماز جمعه
شرکت می‌کنی اینا خیلی ارزشمنده

یا مثلاً با فامیلت حرفت شده نفست میگه بزار او بیاد عذرخواهی کنه ولی
شما پا میشی یه جعبه شیرینی می‌گیری میری خانه فامیلت از دلش در
میاری باهاش صلح می‌کنی اینا ارزشمنده اینارو خدا دوست داره

ما دعامون باید این باشه که خدایا ما را بدار در راهی که رضای تو دران
است باز دار از راهی که سخت تو در آن است ناراحتی تو در ان است.

تو کوچه داری میری یه دوستی داره میاد نفست میگه بزار اون اول سلام
کنه ولی شما نه شما اول بهش سلام می کنی

مثلاً آخر ماه رجبه چند روز دیگه ماه تموم میشه. نفست میگه ولش کن
ولی شما روزه آخر ماه رجب رو می گیری که خیلی ارزشمنده

یا کسی کیف پولشو جا گذاشته نفست میگه آقا برش دار برای خودت
مصرف کن آره بعضی آدمای اینجوریند ولی شما نه میری صاحبشو پیدا
می کنی به صاحبش میدی چقدر او خوشحال میشه.

یا گوشیت اینترنت داره نفست میگه آقا برو تو سایت های فلان و
سایت های بد ولی شما نه برعکسش عمل می کنی می ری تو سایت های
سالم و خوب

یا یه فقیری داره میاد طرف شما نفست میگه به اینکه میاد کمک نکن
ولی شما نه میگی حتماً من باید به این فقیر کمک کنم شاید این یه
ماموری از طرف خدا باشه اومده منو امتحان بکنه

یا مثلاً ماشین می‌خواهید بفروشید ماشینت مشکل داره نفست می‌گه آقا
نگو به طرف ماشینت مشکل داره ولی شما می‌گی آقا بین ماشین من
مشکل داره مشکلش اینه حالا می‌خوای بخری یا نخری.

یه کسی می‌گفت می‌گفت خواهر من مشکل اعصاب داره دارو مصرف
می‌کنه الان برایش خواستگار اومده گفتم حتماً بگید به خواستگار طوری
نشه که نگید بعداً بگند اینا سر ما کلاه گذاشتن مریضشونو به ما قالب
کردن حتما بشون بگو. بگو خواهر من مشکل اعصاب داره. گفت البته
همه کاراشو انجام میدی خانه رو خوب اداره می‌کنی ولی قرص اعصابم
می‌خوره گفتم همین‌ها رو بهش بگو بگو قرص اعصاب می‌خوره ولی خانه
را خوب اداره میکنه

یا اگر خانه ات مشکل داره مشکلشو بگو به مشتری

یا زمین می‌خوای بفروشی زمینت مشکل داره بگو الان متأسفانه اکثراً
نمی‌کنند. ماشین می‌خری بعد می‌بینی ماشین خرابه چقدر خرج داره
شخصی ماشین گرفته بود بنگاهی گفته بود این ماشین فقط دست یه
دکتری بوده فقط میرفته مطبش! این ماشین شاید ۳۰ میلیون خرجش

شد ۳۰ میلیون اون زمان نه الان سال ۹۰ مثلاً سال ۹۲ ۹۳ آقا چرا شما دروغ میگی؟

راستشو بگو این لقمه حلال اینه که مثلاً یه نامه میارن شما امضا کن فلانی پول نداره فقیره اما شما می دونید که داره نباید امضا بکنی نفست میگه امضا کن رفیقه فامیله. شما نباید قبول بکنید یا به عنوان مثال همسرت بهت تیکه میندازه نفست میگه جوابشو بده ولی شما سکوت می کنی سکوت بکن یا مثلاً شخصی شما را اذیت کرده اون زمان شما نمی تونستید جوابشو بدی الان قدرت پیدا کردی ببخشش.

میگند یه روحانی از شهری در ایام تظاهرات سال ۵۷ با مینی بوس می آمده سر راه یه روستایی هست شاه دوست بودند. اون زمان شاه دوست بودن هرماشینی عکس شاه روش نبود شیشو خورد میکردن! اونها میبینن یه مینی بوس میاد عکس شاه نداره. حاج آقای تو ماشینه برفم بود اون موقع. به حاج اقا میگند یا برامون برقص یا می کشیمت !

حاج اقا میگه آقا من روحانی هستم میگن یا می رقصی یا می کشیمت اینم
بالاخره به دستی تکان میده

بعد از انقلاب ایشون شد رئیس کمیته اون شهر. گفت برید اینا رو
بیارید آوردنشون و گفت یادتونه اون روزچکار کردید!

گفتند آقا ما اشتباه کردیم غلط کردیم. حاج اقا نفسش می گفت انتقام
بگیر ازشون! بزن تو گوششون! اما این به نفسش عمل نکرد گفت برید
ازادید!

اسلام گفته تلافی ممنوع.بخشنده باشو

مثلاً شما به قرضی لازم داری میری سراغ رفیقت بهت نمیده داره ولی
بهت نمیده

آقا چند وقت بعد بعدش این میاد در خانه شما میگه فلانی به مشکلی
برخوردم قرض میخوام.شما اصلاً به روت نمیاری میگی. حتماً بهت میدم
هر موقعم پول لازم داشتی اول سراغ خودم بیا

این خلاف نفسه‌ها اینا باعث میشه نفس اماره ضعیف بشه اونقدر نفس ضعیف بشه که دیگه بر شما حکومت نکنه. دیگه شمارا از مسیر درست به اصطلاح خارج نکنه.

نفس از صاحبش چه می‌خواهد؟

هرچه بد است نفس ان را می‌خواهد

نفس خودخواهی را می‌خواهد. نفس غرور و تکبر را می‌خواهد. نفس شهوت و لذت می‌خواهد. نفس گناه می‌خواهد. نفس قانون شکنی را می‌خواهد. نفس تجاوز به مال دیگران را می‌خواهد. نفس هر آنچه دیگران دارند را می‌خواهد. نفس حرص و زیاده‌طلبی می‌خواهد. نفس تنبلی و راحتی می‌خواهد.

خلاصه هرآنچه خلاف فطرت است را نفس می‌خواهد. هرآنچه خلاف دستور خداوند حکیم است را نفس می‌خواهد.

لذا پیامبران آمدند تا انسان را متوجه خطر بزرگی که از ناحیه نفس . انسان را تهدید می‌کند نمایند. و هر که از پیامبران و امامان تبعیت کرد سعادت‌مند شد.

هر کسی که بدبخت شد در نتیجه پیروی از نفس خود بوده است

در روایتی رسول اکرم(ص) فرمود: "أفضل الجهاد، من جاهد نفسه أَلْتِي

بين جنبیه؛(میزان الحکمه، ج 1، ص 453)

". برترین جهاد، جهاد شخصی است که با هوای نفس خود مجاهده کند

در روایت است که شخصی به نام مشاجع آمد محضر پیامبر عرض کرد

که چه راهی برای موافقت با خداست؟ چه کار کنیم که با خدا موافق

باشیم پیامبر فرمود مخالفت با نفس که اگر با نفست مخالفت کنی با خدا

موافقت کردی

سوال کرد چه راهیست برای رضایت خدا چیکار کنیم خدا از ما راضی

باشه فرمود عصبانی کردن نفس. نفس و عصبانی کن تا خدا راضی بشه

پرسید چه راهی برای وصل به خداست گفت دور کردن از نفس نفس

رو از خودت دور کن به خدا نزدیکی

هرچی از نفس دور بشید مثل شرق و غرب می‌مونه هرچی از شرق دور

بشی به غرب نزدیک می‌شی

گفت چه راهی برای اطاعت خداست؟ رسول خدا گفت معصیت نفس.

نافرمانی نفس هرچی نفس گفتو نافرمانیش بکن

گفت چه راهیست برای یاد خدا پیامبر فرمود فراموش کردن نفس!

نفسو فراموش کن یعنی خودتو فراموش کن تا به یاد خدا باشی

گفت چیکار کنم به خدا نزدیک بشم فرمود از نفس دور بشو از نفس

دور بشی به خدا نزدیک میشی

گفت چیکار کنم با خدا مونس بشم گفت وحشت از نفس با نفس غریبه

باش تا با خدا مونس بشه.

در هر حال اگر کسی بتواند بر نفسش غالب بشه نفس ما به اصطلاح به

یه سری چیزهایی است نفس قوی می‌کنه مثلاً غذای خیلی لذیذ هی

مرتب غذای لذیذ آدم بخوره این نفس قوی میشه خواب زیاد نفسو قوی

میکنه

به کسی می‌گفت ما ۲۴ ساعت ۲۱ ساعت خوابیم این خواب زیاد نفس.

قوی می‌کنه

یکی از علما به نام آیت الله مسعودی خمینی رفته بود نجف گفت چند روز مهمان امام بودم هر روز آبگوشت بدون چربی گفت دیگه به امام گفتم ما دیگه زده شدیم از آبگوشت بدون چربی شما! یه پلویی هم بهمون بدید گفت اگر پلو و چلو می خوای خانه سید مصطفی خانه ما همیشه آبگوشت بی چربی

آیت الله سید محمود شاهرودی خدا رحمتش کنه رئیس قوه قضاییه بود گفت شام مهمان مقام معظم رهبری بودیم شب یه مقدار حلوا ایشون حلوا گرم کرد برای ما آورد گفت خانواده رفته مشهد قبل از رفتن. حلوا درست کرده گذاشته تو یخچال هی ما هر دفعه موقع غذا گرم می کنیم مقدارشو می خوریم

بزرگان ما اهل اینکه غذاهای خوشمزه شربت های خوشمزه بستنی های خوشمزه میوه های خوشمزه نبودند

هی بخورند هی بخورند! آقا حضرت علی فرمود شکمتونو مقبره حیوانات نکنید

ولی معاویه اهل اینا بود .شخصی میگه مهمان معاویه بودم سر سفره هر
چی خورشت سراغ داشتم سر سفره آورده بودند.. هرچه غذای لذیذ
سراغ داشتم سر سفره بود

خود شاه ایران پهلویی ها درباریا چقدر می خوردن

اینا به دندانپزشک ایرانی اعتماد نداشتند به جماعت ایرانی اعتماد
نداشتند شاه دندونش درد می کرد هواپیما می رفت فرانسه از فرانسه
پزشک می آورد برای شاه دوباره هواپیما میبردش

یه هواپیما برای یه نفر هزینه اش از کجا بیت المال. برعکس حضرت امام
گفت ایرانی می تونه مردم ایران می تونن .ما میتوانیم

شاه می گفت نه ایرانی نمیتونه!

بنابراین اگر ما بخواهیم به تقوا برسیم باید نفسمونو ضعیف کنیم گوش
به حرفش ندیم هرچی می خواد مثلاً نفس میگه نگاه کن به نامحرم به
فیلم های نامناسب شما نگاه نمی کنی

آیت الله حجت از مراجع بود سیگاری بود. وقتی فهمیدن چقدر ضرر
داره سیگارش بعد ریه اش مشکل پیدا کرد دکتر معاینه کرد به آقای

حجت گفت سیگار برای شما ضرر داره ایشونم شوخی کرد گفت من
این سینه رو برای سیگار می خورم دکتر گفت آقا جدی عرض می کنم

اقای حجت گفت اگر ضرر داره دیگه نمی کشم دیگه نکشید

اینجوری بودن قوی بودن بر نفسشون مسلط بودن.

حضرت امام درباره آقای رجایی گفت ایشون بر نفسش حاکم بود

ایشون بر قدرت حاکم بود نه اینکه قدرت بر ایشون حاکم باشد.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد هر آنچه دیده بیند دل کند یاد بسازم

خنجری نیشش ز پولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

اگر شما چشم چران شدی بعد هرچی چشم می بیند دلم می خواد یواش

یواش دچار یک دره های هولناکی میشه گرفتاری هایی برات درست

می شه آقا می رفت بالای مناره مسجد اذان میگفت در همان حال چشم

چرانی می کرد به خونه همسایه که دختر زیبایی داشت نگاه می کرد

عاشق دختر شد رفت خواستگاری این خانواده که یهودی بودند. پدر

دختر گفت دختر منو می خوای باید یهودی بشی

گفت یهودی میشم

یهودی شد همون روز خواست از بالا پله پیاد پایین افتاد مرد

باحالت یهودی مرد

به دخترم نرسید به وصالشم نرسید

کافرشد به خاطر چشم چرانی

نفس می‌گه نگاه کن نفس می‌گه این کارو انجام بده باید باش مخالفت

کنی

قرآن در سوره نازعات ایه 40 فرموده

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ

و اما کسی که از مقام و منزلت پروردگارش ترسیده و نفس را از هوا و

هوس بازداشته است؛

فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ۖ

.پس بی تردید جایگاهش بهشت است

مهمترین عامل بدبختی انسان

مهمترین عامل بدبختی انسان. پیروی از هوای نفس هست. نفسی که در هر انسانی وجود دارد که رسول خدا(ص) فرمود:

أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ

دشمن ترین دشمن هر انسانی اون نفسی است که بین دو پهلوی او قرار دارد

ما عقل داریم و دل داریم ما باید به دستورات عقل عمل بکنیم نه اینکه ببینیم دلمون چی میخواد! دنبال دل نباشیم اگر ما به دستورات عقل عمل کنیم پیروز میشیم.

جناب حر بن یزید ریاحی انشاءالله مشرف شدید کربلا یم ماشین بگیری
برید ۷ و ۸ کیلومتری کربلا یک حرم بزرگی هست حرم جناب حر بن
یزید ریاحی

این حر نه امامزاده بوده نه عالم بوده نه سید بوده پس این حرم و
بعدشم حاجت میده از جمله یکی از علما فلج شده بود گفت رفتم اونجا
توسل پیدا کردم به جناب حر شفا پیدا کردم

چرا این عظمت و مقام را دارد؟ چون ایشان فرمانده هزار نفر از سپاه
عمر سعد ملعون بود. امام حسینم اول اذیت کرد یم مقدار
همین یعنی عمر سعد بهش دستور داد امام حسینو بازداشت کن نذار نه
برگرده نه جلو بره کار به اونجا رسید وقتی که جلوی امام حسینرا گرفت
عربها وقتی که اون زمان عصبانی می شدن می خواستن به طرف یم
حرف بدی بزنن می گفتن **سکلتک امک** مادرت به عزایت بنشیند یعنی
بمیری

امام حسین(ع) عصبانی شدن دیدن حر نمی‌ذاره آقا فرمودند بر گردیم
گفت همیشه عمر سعد به من دستور داده. گفته نذار بر گردند نذار جلو
برن تا من پیام خودم دستور بعدی رو میدم

حضرت عصبانی شدند فرمودند مادرت به عزایت بنشیند حر گفت آقا
من نمی‌تونم جواب شما رو بدم شما مادرت حضرت زهراست
این محبت حضرت زهرا باعث شد نجات پیدا کنه چون روز عاشورا بین
نفسش و عقلش گیر کرده بود نفسش می‌گفت به دستور عمر سعد و
یزید عمل کن و پاداش بگیر عقلش می‌گفت آقا این پسر پیامبره
می‌خواه چیکار بکنی می‌خواه سر پسر پیامبر رو ببری آخرش عقلش
غلبه پیدا کرد خلاصه روز عاشورا آمد محضر امام حسین عرض کرد که
آیا من می‌تونم توبه کنم آقا فرمود بله توبه کن حر توبه کرد و خودش
و پسرش و غلامش اینا جزو اولین هایی بودند که شهید شدند.

بعد این سر حر بهش ضربت خورده بود آقا امام حسین اون آخرین
لحظات بالای سرش رفت با دستمالی که داشتند دستمال امام حسین سر
حر رو بستن لذا بدن حر را با همان دستمال حضرت دفنش کردن تا

زمانی که شاه اسماعیل صفوی وقتی که رفت کربلا بعد رفت حرم حر
گفت من خوندم در تاریخ که امام حسین با دستمالش سر حر رو بسته
من این دستمال را میخوام قبر حر رو باز کنید. دستمالو بیارید برا من
یه دستمال بهتری بزارید اونجا ولی من این دستمال چون مال امام حسین
است میخوام وقتی قبر رو باز کردن دیدن بدن حر سالم است
دستمال امام حسینم رو سر حر هست حالا چند سال گذشته شاید
نزدیک ۷۰۰ ۸۰۰ سال گذشته دستمال که برداشتن مثل کسی که تازه
بدنش مجروح شده و دستمالی روش بستن خون می امد. دیگه مجبور
شدن همون دستمال امام حسین رو ببندن. قبرشو پر کردند. در هر حال
حر سعادتمند شد چرا چون از نفسش پیروی نکرد
شما هر کسی را دیدید که منحرف شده مثلاً اینا که معتادان نفسشون
میگه آقا مواد بکش مواد می کشن دیگه گرفتار می شوند اینا که سیگاری
هستند سیگار ضرر داره این قلیونیا این قلیون میگن هزار برابر بیشتر از
سیگار ضرر داره قلیون چرا می کشند نفسش میگه لذت داره بنابراین ما.
باید تا آخر عمرمون با نفسمون همیشه مخالفت بکنیم هرچی نفسمون
گفت عکسشو عمل کنیم

خداوند در سوره شمس ۱۱ بار قسم خورده مثلاً ما وقتی به امام قسم میخوریم مثلاً می‌گیم به امام رضا یه بار می‌گیم حالا فو قش دو بار می‌گیم به امام رضا به امام رضا قسم یا به حضرت عباس شما دیدید تا حال کسی ۱۱ بار قسم بخوره ولی اونم خدا؟ خدا که لازم نیست قسم بخوره ما قسم می‌خوریم که ثابت کنیم راسته. خدا که دیگه راستگوئه دیگه خدا که دروغ نمیگه چون آدمی دروغ میگه که منافع داشته باشه خدا که منافع لازم نداره چرا خدا ۱۱ بار در سوره شمس قسم خورده ۱۱ با

﴿ ۱ ﴾ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی
سوگند به خورشید و گسترش روشنی‌اش

﴿ ۲ ﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاها

و به ماه هنگامی که از پی آن برآید

همینجوری خداوند حکیم ۱۱ تا قسم خورده تا یه جمله بگه: اگر با
نفس مخالفت کردی رستگار میشی

﴿ ۹ ﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد.

حضرت امام چرا پیروز شد چون بر نفسش غالب یودپ

یا دربارہ شهید نواب صفوی گفته اند شاه بر اش پیغام فرستاد گفتش که
سه تا پیشنهاد برات دارم یک بیا بشو سفیر ایران در اردن به مقام بالای
سفیر ایران دوم سفارت رو نمی خوای بیا بشو تولیت آستان قدس رضوی
با اون همه موقوفات با اون همه درآمد اینم نمی خوای بشین تو خانه ات
ما برات پول میفرستیم فقط کاری به ما نداشته باش نواب صفوی قبول
نکرد. آنقدر مبارزه علیه شاه کرد تا بالاخره به دستور شاه اعدام شد و به
شهادت رسید . نواب صفوی از نفسش پیروی نکرد دیگه نامش تا روز
قیامت با افتخار می درخشه که این نواب صفوی چه شخصیتی بود حالا
اگر نواب صفوی قبول می کرد مثلاً سفیر ایران تو اردن بود حالا به عمرم
در ناز و نعمت به اسمی ازش نبود روز قیامت هم در دادگاه الهی محکوم
می شد جهنم میرفت

وظیفه داریم اگر می‌خواهیم سعادت‌مند شویم مخصوصاً جوانها چون در جوانها نفس قوی تره از به اصطلاح پیرمردها از پیرها نفس در جوونا خیلی قویه این نفس رو ما باید شکست بدیم

در روایت است آقا رسول الله رفتن استقبال عده‌ای از رزمندگان اسلام که از یک جنگی برمی‌گشتند پیامبر به اونا اینجور فرمود فرمود مرحبا به مردمی که از جهاد اصغر آمدید جهاد اصغر یعنی جهاد کوچکتر. رزمندگان گفتند ما در این جنگ خیلی زحمت کشیدیم خیلی شمشیر زدیم شما می‌گید جهاد اصغر. اگه این جهاد اصغر پس جهاد اکبر کدومه؟

رسول خدا(ص) فرمود جهاد اکبر یعنی مبارزه با نفس مبارزه با درون این مهمه

نقل است یه عده‌ای از رزمنده‌ها رفتن محضر آیت الله بهجت آقا فرمود شما چیکار می‌کنید تو جنگ تو جبهه گفتن ما با صدام می‌جنگیم

ایه الله بهجت گفٲ با صدام درونتون چی با اونم می‌جنگید هر کدوم از ما
یه صدام تو بدنمون هست هر کدوم از ما به قول حضرت امام یک
هیتلری تو درون ما هست یه هیتلر.